

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پنجاه و یکم

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۴

دشواری های حکومت در البانی

طرد اشغالگران و استقرار حکومت توده ئی به حزب کمونیست البانی وظیفه می داد که بر کشور حکومت کند و این وظیفه سبک تر از وظیفه سنگین رهبری جنگ رهاییبخش نبود. حزب ایمان بی تزلزل داشت که موفقانه از عهده این وظیفه بر خواهد آمد و این ایمان مبتنی بود بر: «تجربه وی از جنگ رهاییبخش ملی، عزم جزم وی به پیش بردن انقلاب تا آخر، پشتیبانی پر توان توده های خلق از مشی سیاسی وی، و شور و شوق انقلابی فراوان توده ها.» اما حزب می بایست در این راه بر دشواری های بسیار غلبه کند.

البانی آزاد شده در وضع بسیار اسفناکی به سر می برد. جنگ لطمات عظیمی بر البانی وارد آورده بود. بنیاد اقتصاد لرزان بود. دشمن تمام پل ها را ویران ساخته بود. جاده ها، بندر ها و شبکه تلیفون همه خراب شده بودند. نیروی برق وجود نداشت. معادن از استفاده افتاده بود. آن چند کارخانه ای هم که از ویرانی رسته بودند در اثر فقدان مواد اولیه کار نمی کردند. بیکاری در همه جا حکمروا بود.

کشاورزی نیز وضع بسیار ناگواری داشت. بخش مهمی از زمین ها بدون کشت مانده بود. یک سوم دام ها و به ویژه دام های کاری تلف شده بودند.

بازرگانی در اثر فقر و فقدان وسائل حمل و نقل فلج شده بود. صندوق تورم به حدود بی سابقه ای رسیده بود. مردم در آستانه زمستان لباس کافی نداشتند و بی مسکن و بی نان مانده بودند. خطر قحطی و اپیدمی بر کشور سایه افکنده بود.

چنین وضعی در اثر مبارزه نیرو های ارتجاعی داخلی و خارجی علیه قدرت توده ئی باز هم وخیم تر می شد. طبقات سرنگون شده و بورژوازی امپریالیستی خارجی، پس از رهائی البانی، با یک دیگر به اتحاد نزدیک ضد انقلابی رسیدند.

هیأت های نمایندگی امریکا و انگلستان که پس از رهائی البانی ظاهراً برای تدارک به رسمیت شناخته شدن حکومت جدید در البانی مانده بودند به صورت مراکز جاسوسی، توطئه و خرابکاری در آمدند. هیأت های مذکور کوشیدند که کلیه نیرو های ارتجاعی را متحد ساخته به میدان نبرد علیه حکومت توده ئی در آورند و آن را سرنگون سازند. خود طبقاتی هم که سرنگون شده بودند و زندگی غیر قانونی داشتند مسلحانه پشتیبانی می شدند. این گروه ها در صدد بودند که محیط عدم اطمینان به وجود آورند، دهقانان را بترسانند و از استقرار نظم و آرامش جلو گیرند. آنها در مورد کمونیست ها و کادر های فعال حکومت توده ئی مرتکب اعمال تروریستی می شدند. در جنوری ۱۹۴۵ بقایای نیرو های ارتجاعی حتی به حمله بر کولپلیک دست زدند ولی در عرض چند ساعت در هم شکسته شدند. در ماه های جنوری و فروری، دار و دسته های ارتجاعی که در کوهستان های کلمند پنهان شده بودند، به کلی نابود گشتند.

نمایندگان بورژوازی ارتجاعی و مالکان بزرگ ارضی به سازمان دادن دسته های خصومت پیشه مخفی اقدام کردند، مانند دسته «سلطنت طلبان»، «سوسیال دموکرات»، «دموکراسی مسیحی» که به وسیله هیأت های نمایندگی امریکا و انگلستان در تیرانا رهبری می شدند. طبقات سرنگون شده به سازمان دادن خرابکاری و انجام عملیاتی پرداختند که هدفش لطمه زدن به اقتصاد کشور بود. آنها در مبارزه با حکومت از پشتیبانی عناصر خصومت پیشه ای نیز که در صفوف جبهه دموکراتیک نفوذ کرده بودند، برخوردار می گشتند.

خلق البانی پس از رهائی، بس انتظار داشت که روابط دولتی عادی با متحدان جنگ رهائی بخش ملی خویش داشته باشد. ولی محافل رهبری امریکا و انگلستان با کلیه وسائل از استقرار چنین روابطی جلو می گرفتند، بر حکومت توده ئی فشار می آوردند و نیز نیرو های ارتجاعی داخلی را در مبارزه با حکومت تشویق می کردند.

امپریالیست های امریکا و انگلستان در صدد سازمان دادن مداخله مسلحانه نیز بر آمدند و در ۱۹۴۵ درخواست نمودند که تعداد اعضای هیأت های نمایندگی نظامی آنها در تیرانا افزایش یابد و در ماه های می و جون ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ افسر و تکنیسین از «ارتباطات نظامی» به البانی بیاورند تا به قول خودشان امر توزیع «کمک» را به عهده گیرند. این درخواست از طرف حکومت دموکراتیک البانی جداً رد شد.

امپریالیسم برای تدارک مداخله مسلحانه به یونان سلطنتی و فاشیستی نیز متوسل گردید. دولت یونان به تحریک مستقیم امریکا و انگلستان در همان فردای رهائی البانی به تبلیغات وسیعی حاکی از ادعا های کهنه خویش در مورد الحاق البانی جنوبی دست زد، منظمأً به تحریکات مرزی پرداخت و به تدارکات مختلف به منظور تهاجم مسلحانه مشغول شد، تهاجمی که می بایست با پیاده شدن نیرو های انگلیس همراه باشد. خلق البانی در برابر این خطر جدید صفوف خود را بر گرد حزب فشرده تر ساخت و آماده گشت که به هر قیمتی شده از استقلال و تمامیت ارضی میهن خود دفاع کند.

ادامه دارد...